

# هرمنوتیک صوفیانه

## در تفسیر کشف الأسرار میبدی

اعظم حیدری عارف

هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف الأسرار میبدی که عنوان اصلی آن «*Sufi Hermeneutics, the Quran*» بوده است، تألیف آنابل کیلر و ترجمه جواد قاسمی است که با پیش‌گفتاری از نصرالله پورجوادی، در انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. متن انگلیسی کتاب در بیست و پنجمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ شمسی موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب خارجی سال شد.

### اشاره

هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف الأسرار یکی از شخصیت‌های برجسته، اما کمتر شناخته شده تاریخ تصوف، یعنی عالم و عارف قرن ششم هجری قمری، رشیدالدین میبدی و تفسیر قرآن فارسی او کشف الأسرار و عدة الأبرار را معرفی کرده است و شامل سه بخش است که نویسنده در بخش اول تحلیلی از هرمنوتیک کشف الأسرار ارائه کرده، در بخش دوم تعالیم عرفانی این اثر را بررسی کرده و در بخش سوم با بررسی تفسیری که میبدی از مجموعه‌ای از داستان‌های پیامبران ارائه داده، تأثیر متقابل این اصول هرمنوتیک و تعالیم عرفانی را نشان داده است.

### گزارش فصل‌ها

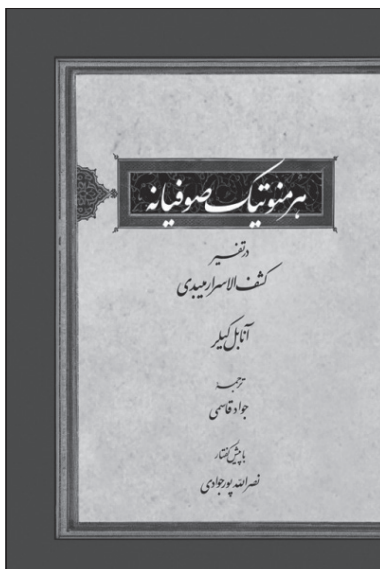
محتوای کتاب از مقدمه تا پایان مباحث اصلی در ده گفتار دسته‌بندی شده است، سپس خاتمه بحث کتاب‌شناسی، واژه‌نامه و در پایان نمایه کتاب آمده است.

۱. **مقدمه:** اولین گفتار از ده گفتار یادشده مقدمه است که نخست به فضای فکری قرن ششم هجری پرداخته که دوران نگارش کشف الأسرار است. سپس به هرمنوتیک قرآنی اشاره می‌کند که در این عصر نسبت به گذشته پخته‌تر شده بود و پس از آن به میبدی و نیز آثار او می‌پردازد و در پایان این مقدمه به منابع میبدی در تفسیر قرآن پرداخته است.

بخش اول پس از ذکر این مقدمه وارد بخش اول کتاب شده که این بخش گفتار دو و سه را شامل می‌شود.

۲. **هرمنوتیک کشف الأسرار:** در گفتار دوم به هرمنوتیک کشف الأسرار پرداخته است. مترجم این کتاب درباره کاربرد این واژه می‌گوید: «مقصود نویسنده از هرمنوتیک عمدتاً «روش تفسیر» است، اما چون این واژه به تدریج مفاهیم گسترده‌تری پیدا کرد و نویسنده با این گستردگی مفهومی آشناست، در خلال

هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف  
الأسرار میبدی؛ آنابل کیلر؛ ترجمه  
جواد قاسمی؛ تهران: میراث مکتوب،  
۱۳۹۴



متن، معانی گوناگونش را در نظر داشته و از آنها استفاده کرده است». در این گفتار که هرمنوتیک کلی کشف‌الأسرار بررسی شده، نویسنده می‌گوید: میبیدی بر خلاف دیگر مفسران صوفی آن روزگار، تفسیر باطنی خود را به صورت تفسیری کامل و مستقل ارائه نمی‌دهد، بلکه آن را به عمد با ترجمه و تفسیر ظاهری درمی‌آمیزد. با توجه به تعریف هرمنوتیک، در این فصل تعریف خود میبیدی از اهداف، اصول و روش‌های تفسیری بررسی شده که از آن جمله، نگرش او نسبت به تفسیرروایی (المأثور) در برابر تفسیر به رأی و دیدگاه‌های او درباره متشابهات و آیات تشبیهی قرآن است. این گفتار در انتها به دلایل ساختار سه‌گانه کشف‌الأسرار و تفسیر ظاهری و باطنی میبیدی از قرآن پرداخته، اما پیش از آن با مشخص کردن اهداف و اصول کلی کشف‌الأسرار، به اختصار نشان داده که چگونه محتوا و سبک تفسیر ظاهری میبیدی به اهداف هرمنوتیک آن کمک می‌کند.

در پی بحث درباره هرمنوتیک کلی کشف‌الأسرار، به طور خلاصه می‌توان گفت که میبیدی قصد داشته تفسیرش حاوی پند و موعظه باشد تا خوانندگان بتوانند آگاهی‌هایی را به دست آورند که در عمل به دینشان بدان نیاز دارند. تمسک بی‌چون و چرا به کلام وحی و احادیث پیامبر و سلف صالح برای این عمل ضرورت داشت. ترکیب ظاهر و باطن در کشف‌الأسرار امتیازات هرمنوتیکی خاصی داشت؛ زیرا «فضای خاصی» را برای میبیدی می‌گشود تا دو نگرش متفاوت نسبت به قرآن داشته باشد: نخست نگرشی که به دانش نقلی اتکا می‌ورزید و تنها استفاده محدود از قوه عقلانی را جایز می‌دانست و دیگری نگرشی که از طریق الهام الهی حاصل می‌آمد. ضمن آنکه کنار هم نهادن نوبت دوم و سوم این امکان را به او می‌داد تا ارتباط واقعی بین این دو نگرش به هم پیوسته را حفظ کند. نیز نکته مهم دیگر این بود که جمع ظاهر و باطن در کشف‌الأسرار از نظر میبیدی به لحاظ اعتقادی اعتبار داشت و برای اهداف آموزشی تفسیرش اساسی بود. از یک طرف، به روندگان طریقت عرفانی یادآوری می‌کرد که نباید از ظاهر شریعت غافل بمانند و از طرفی دیگر، مؤمن را ترغیب می‌کرد که فراتر از صرف رعایت ظواهر شرع برود تا به واسطه طریقت به حقیقت برسد. «راسخان در علم ایشان اند که علم شریعت بیاموختند و آنکه به اخلاص آن را به کار بستند تا علم حقیقت اندر سر بیافتند».

**۳. هرمنوتیک صوفیانه در کشف‌الأسرار.** مؤلف در این گفتار با دقت بیشتری به هرمنوتیک صوفیانه در کشف‌الأسرار می‌پردازد. او ابتدا به بعضی از نظریه‌های تفسیری توجه می‌کند که احتمالاً با تفسیر عرفانی میبیدی ارتباط دارند، سپس تفسیرهای نوبت دوم و سوم میبیدی درباره آیات خاصی از قرآن را با یکدیگر مقایسه کرده تا هدف‌ها و معیارهای تفسیر عرفانی وی دقیق‌تر تعریف شوند و در مرحله سوم به شیوه و روش تفسیر عرفانی می‌پردازد. در این مرحله کشف‌الأسرار در کنار لطائف‌الآشارات قشیری مطالعه می‌شود و نه به طور مجزا. سرانجام در این فصل تلاش شده با استفاده از لطائف قشیری، به عنوان «بزار مهار»، این نکته آشکار شود که کشف‌الأسرار تا چه حد ادامه مجموعه‌های موجود و حاکی از آنهاست یا اینکه آیا خصوصیات جدیدی دارد و علت آن چیست. در این نمونه‌ها دیده می‌شود که تفسیر میبیدی چگونه قابلیت پیدا کرده است که تقریباً آن را فراتر از نوع تفسیرهای قرآن، اعم از عرفانی و جز آن می‌برد. تفسیر آیات به روایتی تبدیل شده که نه فقط درصدد انتقال اندیشه‌هایی است که در خود دارد، بلکه به سبب نفس زیبایی آن نیز هست. این تحول را تا حدودی می‌توان به تمایل میبیدی در جذابیت بخشیدن به تفسیر خود و به دست آوردن مخاطبانی عام‌تر نسبت داد. در این حال چنین ویژگی‌های هنری را می‌توان نه فقط سبکی ادبی، بلکه در هدف و روش تفسیر عرفانی میبیدی و البته هرمنوتیک آن مهم و اساسی دانست؛ ویژگی‌هایی که از تلفیق هرمنوتیک با تحول زبان بیان عرفانی حکایت دارد. در عین حال عناصر هنری در نوبت سوم کشف‌الأسرار، به وضوح حرکت ادبی گسترده‌تری را در نظم و نثر فارسی نشان می‌دهد که در خراسان آن روزگار پدید آمده و با تعالیم عشق در تصوف پیوند مستقیم داشته است. این تحول و جایگاه عشق در تعالیم عرفانی کشف‌الأسرار، موضوع بخش دوم این کتاب را تشکیل داده است.

هرمنوتیک صوفیانه در تفسیر کشف‌الأسرار میبیدی که عنوان اصلی آن «Sufi Hermeneutics, the Quran Commentary of Rashid al-Din Maybudi» بوده است، تألیف آنابل کیلر و ترجمه جواد قاسمی است که با پیش‌گفتاری از نصرالله پورجوادی، در انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. متن انگلیسی کتاب در بیست و پنجمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ شمسی موفق به دریافت جایزه بهترین کتاب خارجی سال شد.

**بخش دوم.** در این بخش به تعالیم عرفانی در ذیل چهار گفتار پرداخته است:

**۴. پیدایش عرفان عاشقانه در خراسان.** محور بحث در گفتار چهارم پیدایش عرفان عاشقانه در منطقه خراسان است که این منطقه مشهور به مهد اولیای بزرگ است و تأثیرپذیری میبیدی از عارفان خراسانی، مانند خواجه عبدالله انصاری و فضای معنوی و پیدایش عرفان عاشقانه بحث و بررسی شده است. منطقه خراسان تا این قرن ماوراءالنهر و بخش زیادی از افغانستان را دربرمی‌گرفت و شماری از عارفان و حکیمان در این منطقه پا به عرصه وجود نهادند. برخی از مشهورترین آنها عبارتند از: ابراهیم آدهم، حکیم ترمذی، ابویزید بسطامی، ابوالقاسم قشیری، ابوالحسن خرقانی، ابوسعید ابی‌الخیر و فرقه‌هایی مانند کرامیه که به زهد آشکار و تبلیغ فعالانه مرام خویش شهرت داشت و فرقه درون‌گرای ملامتیه که تأکید می‌کرد احوال و مقامات روحانی را باید از دیگران پنهان داشت و اهل فتوت که برای اهداف معنوی راه جوانمردی را برگزیده بودند.

**۵. خدا و آفرینش.** در کشف‌الأسرار هیچ بحث فلسفی یا وجودی‌ای درباره خداوند نمی‌شود. میبیدی تأکید می‌کند که هر گونه تأمل یا پرسش درباره ذات الهی یا صفات او بر اساس علم استدلالی یا به‌کارگرفتن قوه عقلانی حرام است. بنابراین بحث درباره واجب‌الوجود در بخش‌های عرفانی کشف‌الأسرار تنها در محور اصول عقاید می‌چرخد. گاه صفات الهی در قالب اقوالی شعرگونه بیان می‌شود و با نثری آهنگین و موزون به کتابت درمی‌آید.

**۶. زوایایی از هدایت معنوی.** در این فصل برخی تعالیم میبیدی درباره نظر و عمل در سلوک معنوی بررسی شده است. در آغاز به بحث درباره هدف اصلی طریق عرفانی پرداخته؛ یعنی وصول به آنچه «اتحاد با خدا» خوانده‌اند یا حالت فنا از خویشستن و بقا در خداوند یا از طریق او خوانده شده است. این حالت مبارزه با نفس و چیره‌شدن بر آن را می‌طلبند و «جهاد اکبر» نامیده می‌شود. در این فصل به پاره‌ای از جنبه‌های فنی‌تر نظریه طریق عرفانی پرداخته شده، مانند مراحل طریق و احوال و منازل به گونه‌ای که در جاهای مختلف کشف‌الأسرار بیان شده است. سرانجام برخی از سلسله مراتب عمده میبیدی بررسی شده که هم انواع گوناگونی از دیدگاه‌های مربوط به زندگی معنوی را در برمی‌گیرد و به ارزیابی آن می‌پردازد و هم نشان می‌دهد که در این میان تعالیم ملامتیه و اهل فتوت چگونه در دیدگاه‌های کشف‌الأسرار تنیده شده است.

**۷. کلام عرفانی و راه عشق.** پس از بحث مفصل درباره جنبه‌های گوناگون تعالیم میبیدی در خصوص طریق معنوی، در این گفتار به سه دیدگاه اصلی و مرتبط با یکدیگر پرداخته است: تقدیر، علم و عشق.

این اعتقاد که سعادت و شقاوت در این جهان و آن جهان با تقدیر ازلی خداوند تعیین شده، در سراسر بخش‌های عرفانی کتاب کشف‌الأسرار سایه افکنده است. میبیدی می‌گوید عارفان مفهوم قضا را به‌راستی درک می‌کنند. «عابد همه نظاره ابد کند، عارف همه نظاره ازل کند». این احساس بیم و درماندگی شدید در برابر تقدیر ازلی، با قوت تمام در فصل چهارم کشف‌الأسرار در مناجاتی از خواجه عبدالله انصاری بیان شده است.

**بخش سوم.** این بخش به تفسیر عرفانی میبیدی از داستان‌های پیامبران اختصاص دارد که با مقدمه: **پیامبران در قرآن و تفسیر عرفانی** آغاز می‌شود و در ادامه به داستان سه تن از پیامبران پرداخته می‌شود. در واقع سه نوع پیامبرشناسی در کشف‌الأسرار میبیدی وجود دارد. در مرتبه‌ای آنان همان نقش عموم پیامبران را دارند و در مرتبه‌ای دیگر پیامبران نمونه‌ای از سالک روحانی به شمار می‌آیند و سرانجام مرتبه فراتاریخی است که جایگاه هر پیامبری در طرح عظیم آفرینش و رستگاری الهی تعیین می‌گردد. در بخش اخیر به این مطلب پرداخته شده که چگونه دو اصل تعلیم و دریافت عرفانی در تفسیر میبیدی از داستان‌های پیامبران با یکدیگر ارتباط می‌یابد. گفتارهای بعدی داستان این سه پیامبر است:

در پی بحث درباره هرمنوتیک کلی کشف‌الأسرار، به طور خلاصه می‌توان گفت که میبیدی قصد داشته تفسیرش حاوی پند و موعظه باشد تا خوانندگان بتوانند آگاهی‌هایی را به دست آورند که در عمل به دینشان بدان نیاز دارند.

این اعتقاد که سعادت و شقاوت در این جهان و آن جهان با تقدیر ازلی خداوند تعیین شده، در سراسر بخش‌های عرفانی کتاب کشف‌الأسرار سایه افکنده است. میبیدی می‌گوید عارفان مفهوم قضا را به‌راستی درک می‌کنند. «عابد همه نظاره ابد کند، عارف همه نظاره ازل کند». این احساس بیم و درماندگی شدید در برابر تقدیر ازلی، با قوت تمام در فصل چهارم کشف‌الأسرار در مناجاتی از خواجه عبدالله انصاری بیان شده است.

### ۸. داستان ابراهیم (ع)، ۹. داستان موسی (ع)، ۱۰. داستان یوسف (ع)

پیامبران کتاب مقدس در قرآن از جایگاه والایی برخوردارند و این تقریباً از جریان‌های مداوم حکایت دارد، البته نه تداوم قومی برگزیده و دین آن، همانند آنچه در عهد عتیق است، بلکه تداوم یک پیام. تمامی پیامبران، چه آنان که کتاب داشتند (مُسل) و چه آنان که کتاب نداشتند (انبیاء)، برای قوم خویش گواهی بودند بر یگانگی خداوند و هشداردهنده‌ای بر اینکه جملگی به سوی او باز خواهند گشت. بررسی تعالیم عرفانی کشف‌الأسرار سه اصل مهم و مرتبط با یکدیگر را آشکار ساخت. دو اصل از آن جنبه باطنی باورهای حدیث‌گرایانه را تشکیل می‌دهد: اصل تقدیر ازلی خداوند و دخالت او در امور انسان‌ها و اصلی که معرفت عقلی را محدود می‌کند. تنها اصل سوم اصل عشق، در واقع می‌تواند راه یا وسیله بازگشت روحانی تلقی شود. در این چنینش آنابل کیلر نشان می‌دهد که چگونه میبیدی از رهگذر این تفسیرها نه فقط توانسته است دانش «فنی» در باب احوال و مقامات طریق روحانی را به گونه‌ای غیرفنی گسترش دهد، بلکه بسیاری از زوایای طریق عشق عرفانی را نیز بیان داشته است. ظاهراً میبیدی از ما می‌خواهد سه چیز را درباره خداوند و سه چیز را در مورد انسان درک کنیم. خداوند قادر مطلق و دانای مطلق است و نسبت به انسان رحمت و عشقی بی‌منتها دارد. انسان ضعیف است و نمی‌تواند به طور کامل خداوند را ادراک کند، ولی می‌تواند و باید با همه وجودش به او عشق ورزد. در مجموع این موضوع عشق است که به تفسیر عرفانی میبیدی جان می‌بخشد، محتوای آن را تعیین می‌کند و سبک ادبی آن را متحول می‌سازد. میبیدی با تفسیرهای عرفانی خود از داستان‌های پیامبران، این سه اصل مهم و نیز بسیاری از اصطلاحات صوفیان را توضیح می‌دهد تا شرایط، احوال و منازل طریق عرفانی را بیان کند؛ به این ترتیب که مرید یا مراد، مُخلص یا مُخلص به چه معناست یا مقصود از هیبت و انس، تفرقه و جمع، فنا و بقا چیست؟ اما میبیدی تنها این جنبه‌های اصل عرفانی را به شکل رساله‌ای عرفانی بیان نمی‌دارد. او آنها را به صورتی پندآمیز ارائه می‌دهد و نقل‌نمایشی داستان و نیز تصویرها و تمثیلات شاعرانه آن زمان را به حوزه نثر خود می‌کشاند.

**خاتمه.** نویسنده در خاتمه کتابش می‌گوید: کسانی که مایل‌اند عرفان اسلامی را مطالعه کنند، باید اهمیت متون نوشته شده به زبان فارسی در خصوص عرفان را بسیار بیشتر درک کنند. همچنین یادآور می‌شود که هنوز جای مطالعه بیشتری در این زمینه وجود دارد؛ یعنی روشی که رابطه متقابل میان «هرمنوتیک صوفیانه» و «زبان و آموزه» را بررسی کند و پیشنهاد می‌کند که اگر این شیوه در تفسیرهای دیگر مانند عرایس‌البیان روزبهان یا روح‌البیان اسماعیل حقی بروسوی به کار گرفته شود، نتایج جالب‌توجهی در پی خواهد داشت.

نویسنده در خاتمه کتابش می‌گوید: کسانی که مایل‌اند عرفان اسلامی را مطالعه کنند، باید اهمیت متون نوشته شده به زبان فارسی در خصوص عرفان را بسیار بیشتر درک کنند. همچنین یادآور می‌شود که هنوز جای مطالعه بیشتری در این زمینه وجود دارد؛ یعنی روشی که رابطه متقابل میان «هرمنوتیک صوفیانه» و «زبان و آموزه» را بررسی کند و پیشنهاد می‌کند که اگر این شیوه در تفسیرهای دیگر مانند عرایس‌البیان روزبهان یا روح‌البیان اسماعیل حقی بروسوی به کار گرفته شود، نتایج جالب‌توجهی در پی خواهد داشت.

# شاهنامه‌نگاری مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی شاه عباس اول

الهام بادینلو

در نگارگری ایران همواره تصویر انسان جایگاهی ویژه داشته و انسان‌نگاری در هر دوره از کار نگارگری با تغییراتی همراه بوده است. توجه به پیکره انسانی در متن فکری و فرهنگی هر دوره و با توجه به تأثیرپذیری از اندیشه اسلامی تعریف شده است. در زمان صفویان و به ویژه شاه عباس اول صفوی بود که هنرمندان پدیدآور نسخ، واقع‌گرایی و توجه به مسائل روز را سرلوحه کار خویش قرار داده و در روند مصورسازی داستان‌ها و به خصوص شاهنامه‌ویژگی‌های فردی و ایدئولوژی شاه را مدنظر قرار می‌دادند. در این نوشتار با نگاهی کوتاه به نگارگری و شاهنامه‌نگاری در عصر شاه عباس صفوی، کتاب تازه منتشرشده شاهنامه‌نگاری مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی شاه عباس اول را معرفی خواهیم کرد.

## نگارگری در عصر شاه عباس اول

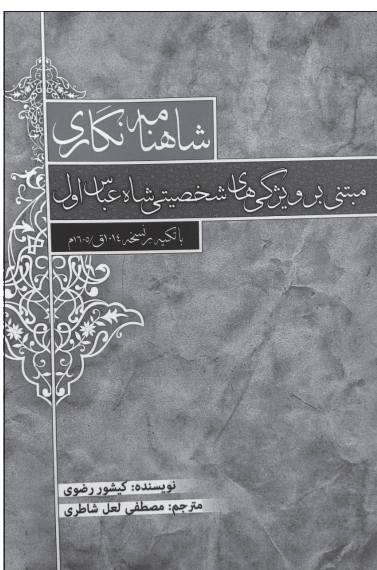
با دستیابی شاه عباس اول به حکومت در سال ۹۹۶ق / ۱۵۸۸م نگارگری ایران که پیشینه تابناکی را از عهد تیموری و اوایل صفوی پشت سر داشت، در اوج ترقی سیر می‌کرد و نگارگران توانا در تنوع بخشیدن به کارهای خود و ابداع شیوه‌های تازه و تکامل بخش، همچنان راه‌جویی و رهیابی می‌کردند. با انتخاب اصفهان به عنوان پایتخت، این شهر به یکی از مراکز مهم تجاری، فرهنگی و نمادی از نظام جدید اجتماعی ایران تبدیل شد و با ورود پرده‌های نقاشی و نقاشان اروپایی به ایران و توجهی که دربار به این نوع نقاشی نشان می‌داد، توجه نقاشان ایرانی به سوی نقاشی اروپایی جلب شد و سبک تازه‌ای به نام مکتب اصفهان را ایجاد کرد. یکی از تغییراتی که در نگارگری مکتب اصفهان رخ داد، توجه به پیکره انسانی است. انسان در نقاشی این دوره نقش محوری می‌یابد و به تقریب کل صفحه را به خود اختصاص می‌دهد و برخلاف گذشته که تصویر آنان بخشی از کل تصویر بود، به صورت موضوع اصلی درمی‌آید. در حقیقت انسان‌نگاری در ابتدای دوره صفوی از هم‌آمیزی سبک هرات و تبریز به وجود آمد.

از ویژگی‌های این سبک در چهره‌نگاری شاهنامه، نزدیک شدن آن به شبیه‌سازی است که در مجلس آرای توجیه برانگیز و خوشایند است. در این مکتب نقاشی ایرانی از تأثیر سبک چینی تا حد قابل توجهی فرآچید و چهره‌ها و مناظر به واقعیت نزدیک شد و رنگ‌ها به ملایمت و ماتی گرایید.

کریمیان و جایز در مقاله «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری» به رابطه با اروپا و نمود آن در نگارگری و اثراتی که این ارتباط در نقاشی عصر صفوی گذاشته است اشاره کرده و با مقایسه ویژگی‌های

۱. کریمیان، حسن و مزگان جایز؛ «تحولات ایران عصر صفوی و نمود آن در هنر نگارگری»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش ۷، ۱۳۸۶، ص ۶۵-۸۸.

شاهنامه‌نگاری مبتنی بر ویژگی‌های  
شخصیتی شاه عباس اول؛ کیشور  
رضوی؛ ترجمه مصطفی لعل  
شاطری؛ مشهد: نی نگار، ۱۳۹۴



نقاشی در دوره شاه اسماعیل و شاه عباس اول، به بررسی آثار نقاشی این دوره می‌پردازند. دلاواله<sup>۲</sup> سیاح فرانسوی که در زمان شاه عباس به ایران سفر کرد، نقاشی ایران را بسیار ناشیانه و به دست اشخاص بی‌اطلاع از هنر تلقی می‌کند، اما شاردن<sup>۳</sup> که در زمان شاه عباس دوم به ایران سفر کرد، رنگ‌های زیبا و درخشان در نقاشی ایران را تحسین کرده است.

### شاهنامه‌نگاری در عصر شاه عباس صفوی

در دوره صفویان با پیدایش مکاتب هنری تبریز، قزوین و اصفهان، توجه ویژه‌ای به شاهنامه‌نگاری می‌شود. این مکاتب «آکنده از نسخه‌های آراسته شاهنامه با نگاره‌های جذاب و دلنشین است. شیوه‌های سنتی ایرانی با نیازهای زمان انطباق می‌یابد و حتی شاهنامه‌خوانی و قصه‌خوانی متون تغزلی و داستانی ایران ارجمند می‌شود. شاهنامه وسیله بیان عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی صفویان برای توده مردم می‌شود. شاهزادگان برای کتاب‌آرایی شاهنامه به چشم و هم‌چشمی و رقابت می‌پردازند و زیباترین نسخه‌ها را از این حماسه ایران فراهم می‌آورند و بدان فخر می‌ورزند»<sup>۴</sup>. از مهم‌ترین شاهنامه‌های این دوره می‌توان به شاهنامه شاه تهماسبی یا شاهنامه هوتون، شاهنامه رشید، شاهنامه شاه عباسی، شاهنامه شاه عباس ثانی، شاهنامه شاه سلیمان و شاهنامه قرچقای خان اشاره کرد. یکی از ویژگی‌های برجسته مکتب اصفهان در تصویرپردازی شاهنامه و به خصوص شاهنامه مورد بحث، متأثر بودن آن از قدرت وقت، برای نشان دادن ویژگی‌های شاه بوده است.

در طول سلطنت شاه عباس یک نسخه از شاهنامه متناسب با مذهب شیعه منتشر و نسخه دیگری که با دقت بیشتری براسلام سنی استوار بود، در ترکیه و هند منتشر گردید. در واقع هنرهای تجسمی به انتشار دیدگاه آرمانی و مذهبی شاه عباس و نشان دادن شخصیت سلطنتی او می‌پرداختند که در پی آن تصویر پادشاه صفوی در چارچوب یک گفتمان رقابتی بر مقام سلطنت با پادشاهان عثمانی و مغولان هند مصور می‌شد. شاه عباس به وسیله تعریف‌های متعدد از شخصیت پیچیده‌اش از همتایان خود در هند و عثمانی متمایز شد. در نقاشی‌های اوایل قرن یازدهم قمری / هفدهم میلادی، پادشاه در صحنه‌های درباری و در محیط‌های تفریحی در حالتی متین و آرام و گاه به عنوان یک حاکم قدرتمند توسط درباریان احاطه و گاه به عنوان یک عاشق با بهره‌گیری از لذت‌های نفسانی با همدم خود به تصویر کشیده شده است.

برای نقاشان صفوی و پس از آن دو سبک متنی مهم وجود دارد: در سبک نخست، عنوان، عبارت با جمله‌ای بزرگ و معین به رنگ قرمز و طلایی نوشته می‌شد و داستان را ذیل آن به صورت خلاصه می‌آوردند که معمولاً عنوان قبل از تصویر واقع می‌شد، اما گاهی در خود نقاشی نیز قابل مشاهده بود. در سبک دیگر شعر با خط شکسته و در قالب و معنای «نکوهش» در حد یک یا دو بیت قبل و گاهی بعد از تصویر واقع می‌شد و هنرمندان را هدایت و به آنان اجازه می‌داد که تصویر را با متن انطباق دهند.

### درباره کتاب شاهنامه‌نگاری مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی شاه عباس اول

شاهنامه‌نگاری مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی شاه عباس اول (با تکیه بر نسخه ۱۰۱۴ق / ۱۶۰۵م) مقاله‌ای نگاشته کیشور رضوی است که با ترجمه مصطفی لعل شاطری به بازار نشر عرضه شده است.

نویسنده مقاله، کیشور رضوی<sup>۵</sup> دانشیار گروه هنر و معماری اسلامی دانشگاه یاله امریکا است که از نگاشته‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲. دلاواله، پیترو؛ سفرنامه؛ ترجمه شجاع‌الدین شفا؛ چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

۳. شاردن، ژان؛ سفرنامه؛ ترجمه اقبال یغمایی؛ ج ۴، تهران: توس، ۱۳۶۲.

۴. آژند، یعقوب؛ مکتب نگارگری اصفهان؛ تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵، ص ۳۵۴.

5. Kishwar Rizvi, kishwar.rizvi@yale.edu

با دستیابی شاه عباس اول به حکومت در سال ۹۹۶ق / ۱۵۸۸م نگارگری ایران که پیشینه تابناکی را از عهد تیموری و اوایل صفوی پشت سر داشت، در اوج ترقی سیر می‌کرد و نگارگران توانا در تنوع بخشیدن به کارهای خود و ابداع شیوه‌های تازه و تکامل بخش، همچنان راه‌جویی و رهیابی می‌کردند.

- The Safavid Dynastic Shrine: History, religion and architecture in early modern Iran (London: British Institute for Persian Studies, I. B. Tauris, 2011)
- "Architecture and the Representations of Kingship during the reign of the Safavid Shah Abbas I," in *Every Inch a King: From Alexander to the King of Kings*, eds. Charles Melville and Lynette Mitchell (Leiden: Brill) 2013.
- "The Suggestive Portrait of Shah 'Abbas: Prayer and likeness in a 1605 Safavid Shahnama (Book of Kings)," *The Art Bulletin* 94/2, (June, 2012).
- "Persian Pictures: Art, Documentation, and Self-Reflection in Bernard and Picart's Representations of Islam," in *The First Global Vision of Religion: Bernard Picart's «Religious Ceremonies and Customs of All the Peoples of the World.»* edited by Lynn Hunt, Margaret Jacob and Wijnand Mijnhardt, (Getty Research Institute), 2010.
- "Art," *Keywords for the Study of Islam*, edited by Jamal Elias, (Oxford: One World Press), 2009.
- "Sites of Pilgrimage and Objects of Devotion," in *Shah 'Abbas: The Remaking of Iran*, edited by Sheila Canby, (London: British Museum Press), publication accompanying exhibition at the British Museum, 2009.
- "Modern Architecture and the Middle East: The burden of representation," *Modernism and the Middle East: Architecture and politics in the twentieth century*, co-editor, (University of Washington Press) 2008.
- "Art History and the Nation: Arthur Upham Pope and the discourse on 'Persian Art' in the early 20th century," *Muqarnas: Journal of Islamic Art and Architecture*, vol 24, (2007).
- "Religious Icon and National Symbol: The Tomb of Ayatollah Khomeini in Iran," *Muqarnas: Journal of Islamic Art and Architecture*, vol 20, (2003).
- *Modernism and the Middle East: Architecture and politics in the twentieth century* (University of Washington Press, 2008)

این کتاب ترجمه مقاله «The Suggestive Portrait of Shah 'Abbas: Prayer and Likeness in a Safavid Shahnama» رضوی است که در جلد ۹۴، *The Art Bulletin* منتشر شده است. در این مقاله نویسنده با بهره‌گیری از شاهنامه نسخه ۱۰۱۴ق / ۱۶۰۵م. موجود در کتابخانه دولتی برلین، به بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و ایدئولوژی شاه عباس اول بر روند مصورسازی داستان‌های شاهنامه، به ویژه در سه ماجرای کیکاوس، گرشاسب و تولد و مرگ رستم پرداخته است و نشان می‌دهد که هنرمندان پدیدآور این نسخه تا حد زیادی در آثار خود علاوه بر توجه به بیان مسائل روز، واقع‌گرایی را نیز سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. نقاشی‌های موجود در شاهنامه فوق مکمل تصاویری هستند که گاهی شاه عباس را پادشاهی قدرتمند و متین و آرام، و گاهی عاشقی در کنار همدم خود تصویر کرده‌اند؛ چرا که از آنها برای نشان دادن نگرش‌های موجود نسبت به سلطنت، قدرت و باورهای مذهبی در ایران عصر صفوی استفاده شده است.

دو مجموعه از نقاشی‌های این شاهنامه با تناسب تاریخی خود به دوره شاه عباس اول و نقش آنها به عنوان تصویر مطرح و نشان دهنده پادشاه مرتبط می‌شود. اولین مجموعه از لحاظ محتوا به تصویر عبادت و زهد سلطنتی مربوط و موضوعاتی که به اشعار شاهنامه توجه دارد، به ندرت در پیکربندی تصویری آن یافت می‌شود. در مجموعه دوم دنباله پنج تصویر از زندگی رستم است که این حکایت از طریق رابطه بین متن و تصویر بررسی شده و بر این امر تأکید دارد که چگونه احساسات در مسیری دقیق و نوآورانه مبتنی بر روزگار صفوی برانگیخته شده است. با این حال متن شاهنامه در تصاویر بسیار ناپایدار است و هیچ یک از این نسخ یکسان نیست.

برخی از این تغییرات و اصلاحات توسط کاتبان به عنوان خلایق خودسرانه اعمال و برخی ناخواسته بوده است. علاوه بر این اختصار و بسط‌های متعددی رخ داده که ممکن است این امر واقعی بوده و در نتیجه ارائه سؤالات در مورد صحت و نیت بسیار پیچیده‌تر می‌شود. با گذشت زمان، پیکرنگاری رویدادهای مهم

در طول سلطنت شاه عباس یک نسخه از شاهنامه متناسب با مذهب شیعه منتشر و نسخه دیگری که با دقت بیشتری بر اسلام سنی استوار بود، در ترکیه و هند منتشر گردید. در واقع هنرهای تجسمی به انتشار دیدگاه آرمانی و مذهبی شاه عباس و نشان دادن شخصیت سلطنتی او می‌پرداختند که در پی آن تصویر پادشاه صفوی در چارچوب یک گفتمان رقابتی بر مقام سلطنت با پادشاهان عثمانی و مغولان هند مصور می‌شد.

شاهنامه بسیار پیچیده‌تر و این‌گونه مصورسازی رواج یافت.

شاهنامه مزبور می‌تواند اطلاعات سودمندی در مورد همپوشانی بین پیکرنگاری شاهانه و توصیفی از تصویر شاه عباس اول در دوران سلطنت و اوج قدرت او در اختیار قرار دهد. این نسخه یک سند مهم برای بررسی جریان‌های اجتماعی و زیباشناختی عصر صفوی است.

سبک این نسخه به این صورت است که عنوان‌های متن و تصویر بعدی را معرفی می‌نماید، در حالی که خطوط، لایه دیگری از ادراک را برای افزایش خواندن و مشاهده نقاشی‌ها اضافه می‌کند.

این نسخه خطی در ابعاد ۳۶ در ۲۴ سانتی‌متر و در ۷۶۴ صفحه کتابت شده است که ۶۷ صفحه آن مصور است. کتابت این اثر در روز سوم صفر سال ۱۰۱۴ ق برابر با ۹ ژوئن سال ۱۶۰۵ م به پایان رسیده است و نشانه‌ای از مکانی که نسخه به آن ارائه شده وجود ندارد، اما نشان‌های لکه‌دار در حاشیه صفحات اولیه نشان می‌دهد که این نسخه سابقاً بخشی از یک مجموعه مهم بوده. علاوه بر آن کیفیت بالای متن و تصاویر نشانگر این است که نقاشی‌ها در یک کارگاه منتسب به دربار خلق گردیده است.

چند نسخه خطی مصور ظاهراً به صورت مستقیم و شاید بنا به دستور شخصی شاه برای او تدوین گردیده است. بنابراین ممکن است فرض شود که این اثر از سوی یکی از اعضای عالی‌رتبه دربار صفوی و برای ارائه به شاه تخصیص یافته است؛ چراکه محتوای شاهنامه بیشتر مورد استقبال پادشاهان بود؛ زیرا در اکثر نسخه‌های مصور شاهنامه، موضوع اصلی جنگ و دنبال‌کردن شاهکارهای قهرمانانه و نیز تاج‌گذاری سلطنتی است که گاهی در آن زندگی درون کاخ نشان داده شده است و می‌توان نسخه ۱۰۱۴ ق را نیز از آن جمله دانست. از سویی نقاشان این‌گونه از شاهنامه‌ها، در تفسیر بصری، مفاهیم اصلی خود را صرف تطبیق فضایل قهرمانان با ویژگی‌های روحی و جسمی پادشاه کرده و در فضا سازی‌های خود، رابطه‌ای خاص بین شاه و خداوند ایجاد می‌کردند.

این شاهنامه بیشترین تمرکز خود را معطوف به نمایش افتخارات سلطنتی مربوط به دربار شاه عباس اول به‌ویژه در زمینه نمایش پارسایی و فروتنی او می‌کند.

پایان سخن آنکه، شاهنامه نگاری مبتنی بر ویژگی‌های شخصیتی شاه عباس اول نگاشته کیشور رضوی با ترجمه مصطفی لعل شاطری در ۱۰۴ صفحه، مصور و از سوی نشر نی نگار در مشهد مقدس در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

برای نقاشان صفوی و پس از آن دو سبک متنی مهم وجود دارد: در سبک نخست، عنوان، عبارت با جمله‌ای بزرگ و معین به رنگ قرمز و طلایی نوشته می‌شد و داستان را ذیل آن به صورت خلاصه می‌آوردند که معمولاً عنوان قبل از تصویر واقع می‌شد، اما گاهی در خود نقاشی نیز قابل مشاهده بود. در سبک دیگر شعر با خط شکسته و در قالب و معنای «نکوهش» در حد یک یا دو بیت قبل و گاهی بعد از تصویر واقع می‌شد و هنرمندان را هدایت و به آنان اجازه می‌داد که تصویر را با متن انطباق دهند.

6. Ivan Stchoukine et al., eds, *Illuminierte islamische Hadndschriften*, Wiesbaden, F. Steiner, 1971, Pp 83-87.



# امپراتوری مغولان: از افسانه تا واقعیت

محمد تقوی

## اشاره

این نوشتار ترجمه مقاله‌ای است که جورج لین در سال ۲۰۱۶ درباره کتاب امپراتوری مغولان: از افسانه تا واقعیت نوشته است. این کتاب که شامل چهار بخش و سیزده مقاله است، در سال ۲۰۱۵ از سوی انتشارات بریل منتشر شد و یکی از جدیدترین پژوهش‌های صورت گرفته درباره حکومت مغولان و ایلخانان به شمار می‌رود. ویژگی برجسته کتاب مذکور این است که دیدگاه سنتی درباره مغولان را که صرفاً به جنبه‌های منفی آن تأکید می‌کند به چالش می‌کشد.

این کتاب اثری جدید و شگفت‌انگیز در رابطه با مطالعه تاریخی امپراتوری مغول است که از سوی نویسندگانی عالم که تحلیل‌هایش همیشه قابل توجه بوده نوشته شده است. پژوهش حاضر ترکیبی از مقالات جدید و پیش‌تر منتشر شده است که اِگل آنها را بعد از بازبینی، بازنویسی و ادغام، در این کتاب که پژوهشی در مطالعات انسان‌شناسی به شمار می‌رود جمع کرده است. کتاب به چهار بخش غیرمرتبط با هم تقسیم شده و هرکدام شامل بررسی‌های مستقلی است که مضمون مشترک دارد. چنین ساختاری سبب می‌شود تا کتاب از یک سو طیف گسترده‌ای از علایق مختلف را در برگیرد و از سویی نیز نگاه تحلیلی‌های عمیقی از موضوع ارائه دهد.

با مطالعه مقدمه کتاب درمی‌یابیم که اگل مدافعی متعهد نسبت به جنبه‌های مثبت امپراتوری مغول در قیاس با محققین قبل از خود است که سخنان منفی ابن‌اثیر درباره ظهور قبایل مغول را پذیرفته بودند. علاقه اگل به مغولان در ابتدا برخاسته از ایلخانان ایران است؛ از این جهت که او کارآموزی ایلخانان را متأثر از امپراتوری چنگیز می‌داند. با وجود آنکه نویسندگانی آسیب‌های ناشی از حمله مغولان به ایران را تأیید می‌کند، اما برای نکته نیز تأکید دارد که دوره ایلخانی، «آزادترین دوره برای گروه‌های دینی ایران» بود و مرحله‌ای از «تبادلات فرهنگی برجسته» را گشود. او معتقد است کلید این دگرگونی ایلخانان و احیای اقتصادی آنان، مسیر طولانی تجاری آنها بود؛ چرا که سبب می‌شد تمام جوامع از مزایای سیاست‌های مغولان و نگرش سلطنتی آنها بهره‌مند شوند.

اگل دو ویژگی دیگر ماهیت [حکومتی] مغولان را نیز برمی‌شمرد که اولی رشد پایدار آنها و دومی پذیرش وسیع مردم جوامع مغلوب از جانب ایشان است. طبقه حاکم مغولان از همان ابتدا متوجه اهمیت دیپلماسی و توجه به جوامع پربازده شدند و دریافته‌اند که تداوم این حملات و خرابی‌ها نمی‌تواند تضمین‌کننده بقا یا رشد آنها باشد. به علاوه مغولان توجه و علاقه زیادی به علم‌آموزی و دانش و همچنین احترام به عالمان و دانشمندان داشتند. ترویج این خصوصیات سبب افزایش شمار زبان‌شناسان، مؤسساتی برای ترجمه متون، رشد چندزبانی، تأسیس مراکز آموزشی و فناوری و فراگیری دانش علمی شد.

1. Aigle.

و مشروعیت. چنگیزخان در پی کسب مشروعیت برای اقداماتش و تمام زندگی‌اش بود. یاران و پیروان او نیز به مانند او توجه داشتند که جایگاه او مطابق با کتاب مقدس باشد. اگل بخش دوم را به مقایسه عناصر شمنی اسلامی اختصاص داده است و در بخش سوم به نقش تنگریسم<sup>۵</sup> در جهان‌گشایی‌های چنگیز می‌پردازد. فقط نخبگان مغول نبودند که قصد وفق دادن باورهای سنتی خود با رسوم و عقاید رعایای جدید خود را داشتند. این افراد وفادار که در مشاغل مهمی به حاکمان کافر خود خدمت می‌کردند، ناچار به توجیه پذیرش و اطاعت خود از این حکومت جدید بودند. جوینی شخصیت برجسته این عصر، مدعی بود که «بسیاری از رسوم ایشان [یعنی مغولان] (یاسا) منطبق با شریعت است».<sup>۶</sup> سخنان او حاکی از تلاش‌ها برای یافتن راهی برای آشتی و از بین رفتن شکافی است که در ابتدا تهدیدکننده ارتباط این دو گروه بود.

بخش پایانی کتاب دربارهٔ ممالیک مصر است که با وجود حملات نظامی جزئی‌شان، به لحاظ نمادین حائز اهمیت بودند و تا آخرین سال‌های حکومت ایلخانی تهدیدی بزرگ به شمار می‌رفتند. ممالیک در مخالفت با زندگی فرومیایه تحت لوای ایلخانان که بعد از گروهش به اسلام به عنوان رهبر امت اسلامی شناخته می‌شدند، خود را به عنوان قاضی‌سلطان مطرح کردند که در پی دفاع از اسلام در برابر حاکمان کافر هستند. در حقیقت منازعات کلامی میان ابن تیمیه و ایلخانان بیش از حملات نظامی به ایرانیان آسیب زد. جالب آنکه در مقاله‌ای تأثیر اقدام غازان مبنی بر محاصره سربازان مسیحی‌اش بررسی شده است؛ موضوعی که به ممالیک اجازه داد خلوص نیت غازان را در اسلام آوردنش مورد پرسش قرار دهند. متأسفانه اگل مقالات دوروتی کراولسکی<sup>۷</sup> دربارهٔ ماهیت جهاد از دیدگاه رشیدالدین فضل‌الله و ابن تیمیه را که موجب گسترش اسلام و مسلمان شدن غازان شد از نظر نگذرانده است.

این کتاب با مطالبی دربارهٔ حکومت مغولان بعد از دوران چنگیز خاتمه می‌یابد. تداوم حکومت برخی از ترکان بعد از فروپاشی خانات چنگیزی و ادعای ایشان که حتی بعد از اسلام آوردن معتقد بودند که مشروعیتشان را از میراث چنگیز گرفته‌اند، در اینجا مورد توجه نویسنده قرار نگرفته است. خاتمه کتاب مبحث جذابی دربارهٔ تداوم میراث مغولان در میان حکومت‌های بعد خود نظیر تیموریان، قراقویونلوها و آق‌قویونلوهاست که پایانی رضایت‌بخش بر این کتاب جذاب است.

اگل بیش از آنکه دوره مغول را دوره تمدن‌های قبیله‌ای معرفی کند، از آن به عنوان دوره‌ای از تعامل فرهنگ‌ها و اندیشه‌های سیاسی، دینی و زبانی یاد می‌کند. او این تعامل را «بازخورد‌های دوجانبه میان شرق دور، مسلمانان شرق و غرب لاتینی» می‌داند. (ص ۱۱) به طور کلی تأکید او بر برداشت و فهم دوسویه است. او در پی توضیح آن است که این جبهه‌های مخالف چه دیدی نسبت به یکدیگر دارند؟ هم‌پیمانان سیاسی چگونه با شرکای خود به تفاهم می‌رسیدند؟ و هر کدام چگونه فهم خود را از جایگاهشان در نظم جهان جدیدی که در قرن سیزدهم میلادی ایجاد شده بود توضیح می‌دادند؟

آغاز بخش اول کتاب<sup>۲</sup> به ارزیابی تاریخ‌نگاری این دوره اختصاص دارد تا ببینیم نگاه عامهٔ مردم به این حاکمان جدید چگونه بود. این مردم که در شمار بسیاری از تاریخ‌ها و سال‌شماری‌های سراسر این امپراتوری بررسی شده‌اند، حوادث مهمی را در خاطر دارند که بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از مورخان سعی داشتند تا در چارچوب تاریخی به این تازه‌واردان بپردازند و حاکمان آنها را در پوشش گذشتهٔ افسانه‌ای‌شان به تصویر بکشند. به همین دلیل جوینی در بیان تاریخ خان‌های بزرگ، مطالبی حماسی از شاهنامه می‌آورد و چنگیزخان را افراسیاب دیگر می‌داند و بدین شکل او را وارد تاریخ ایران می‌کند. (ص ۲۳) مستوفی تاریخ منظوم خود را مشتمل بر ۷۵ هزار بیت و در راستای شاهنامهٔ فردوسی نوشت؛ همچون جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله که اغلب با به تصویرکشیدن حماسه ایرانیان، میان تاریخ این دوره و گذشتهٔ افسانه‌ای ایران مشابهت برقرار کرده است. همچنین کتاب شاهنشاه‌نامه تبریزی نیز که دو سال بعد از پایان حکومت ایلخانی به اتمام رسید، در پی پیوند مغولان ایران با تاریخ ملی ایرانیان است.

فصل دوم که دربارهٔ پرسترجان<sup>۳</sup> است اهمیت زیادی دارد؛ چرا که کمتر کتابی به این موضوع توجه کافی کرده است. اگل با تعصب خاصی به این موضوع می‌پردازد. ابن عبری که با وجود مقالات علمی انجام شده، چهرهٔ مبهمی از او باقی مانده است، موضوع مهم دیگر این فصل است. ابن عبری شخصیت مهمی است که با نخبگان حکومت ایلخانی و جوامع غیر از دوستان مسیحی سریانی خود ارتباط داشت. اگل در این بحث کوتاه به مقایسه کتاب ابن عبری، به عنوان یکی از عالمان سریانی با معاصرانش، یعنی جوینی و همچنین نسخه‌های مختلف کتابش پرداخته است. کتاب ابن عبری حاوی مطالبی دربارهٔ دولت‌های<sup>۴</sup> مختلف است که نویسنده به تنوع آنها توجه کرده است.

دیگر بخش‌های کتاب به موضوعاتی پیرامون تاریخ می‌پردازد؛ دین

۵. تنگریسم (Tenggeri-ism) یک مذهب جادویی آسیای میانه است که ترکیبی از شمن باوری، روح باوری، توتم پرستی، چندخدایی، یکتا پرستی و مرده پرستی است که به «شمن باوری زرد» (Yellow Shamanism) نیز معروف است. (مترجم).

۶. جوینی؛ تاریخ جهان‌گشا؛ ترجمه یان بول؛ منچستر؛ نشر MUP، ۱۹۹۷، ص ۲۵.

7. Dorothea Krawulsky.

۲. عنوان بخش اول کتاب: The memoria of the Mongols in historical and literary sources.

۳. Prester John. پرسترجان (پادشاه مسیحی افسانه‌ای خاور دور یا حبشه). م.

۴. مفهوم «دولت» که عنوان هر یک بخش‌های این کتاب است، اعم از مفهوم امروزی و سیاسی این واژه است و بیشتر دلالت جغرافیایی دارد.

## سخن عشق:

# جشن نامه دکتر حسن انوری؛

زینب خدادادشهری

### اشاره

خطه آذربایجان خدمات فراموش‌نشده‌ای به این مرز و بوم داشته است؛ به‌ویژه تبریز از ششصد سال پیش به این سو مرکز علم و ادب بوده است. ریاضی‌دانان، موسیقی‌دانان، مورخان، شعرا و ادبای بزرگی از آنجا برخاسته و تألیفات گرانبهایی از خود به یادگار گذاشته‌اند.<sup>۱</sup>

یکی از مردمان پرآوازه این خطه که شصت سال است در مسیر علم کوشش می‌کند و آثار ارزنده‌ای از خود به جای گذاشته است دکتر حسن انوری است. کسی که سال‌ها برای نوجوانان و جوانان این مرز و بوم در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها کتاب درسی تهیه کرده است. سال‌ها با مؤسسه دهخدا همکاری داشته است و سپس با تجربه‌ای که اندوخته است گام در راه فرهنگ‌نویسی نهاده و سرپرستی فرهنگ‌های سخن را به عهده گرفته است و اینچنین منزلتی والا در گسترش و اعتلای زبان فارسی یافته است.

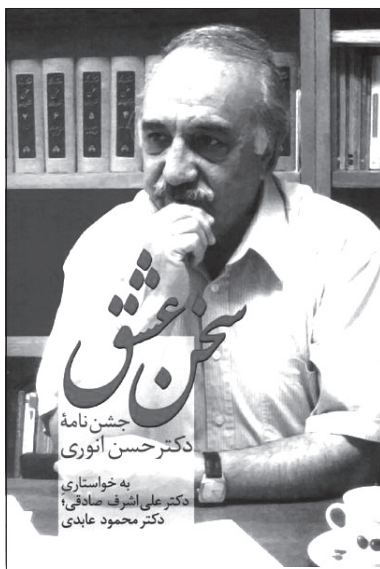
سخن عشق: جشن‌نامه دکتر حسن انوری؛ به خواستاری علی‌اشرف صادقی و محمود عابدی؛ تهران: نشر سخن. ۶۹۵ صفحه، ۱۳۹۵.

پشتکار، مداومت، تلاش بی‌وقفه، صبر و استقامت، تواضع و فروتنی نسبت به تجربه و دانش خود و پذیرش نقد و نظر دیگران و عشق به کاری که انجام می‌دهی، همه گوشه‌ای از درس‌هایی است که شاگردان استاد از هر روز کارکردن در کنار دکتر انوری در تألیف فرهنگ‌های سخن آموخته‌اند. فرهنگی که امروز برای دانشجویان و عموم مردم کارگشایترین فرهنگ است.

استاد انوری متولد ۱۳۱۲/۱۲/۱۰ در شهر تکاب است. وی از نخستین قبول‌شدگان در دوره فوق‌لیسانس دانشگاه تهران است و در سال ۴۸ دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی را به پایان رساند، در حالی که در سازمان کتاب‌های درسی به تألیف و در دانشگاه هنر سرای عالی (علم و صنعت فعلی) به تدریس مشغول بود. البته استاد انوری به سبب رویکرد آموزشی که در تألیف آثار خود در تمامی این سال‌ها داشته‌اند، منت معلمی بر خیل عظیمی از فرزندان این آب و خاک دارند.

درباره سلوک تألیفی ایشان توفیق آثار مشترک ایشان نشان می‌دهد که روش پژوهش و تألیف گروهی که شیوه‌ای جافتاده و رایج در جوامع علمی مدرن است تا چه میزان در آثار ایشان نمود یافته است. برای مثال در سری «مجموعه ادب فارسی»، آثار ارزشمندی از قبیل گزیده اشعار رودکی، غمنامه رستم و سهراب، رزنامه رستم و اسفندیار و نمونه‌های دیگری را با همکاری مرحوم استاد جعفر شعار تألیف

۱. سخن عشق، ص ۵.



کردند. مجموعه آثار دستوری ایشان از دهه پنجاه تا تألیف دستور زبان فارسی ۱ و ۲ با همکاری مرحوم دکتر حسن گیوی به ثمر نشست است و نهایتاً فرهنگ بزرگ سخن و دیگر فرهنگ‌های سخن که همگی از همکاری‌های علمی و گروهی پدید آمده‌اند، همگی شاهدی بر سیره مرضیه و حاکی از روحیه و منش مشارکت‌جویی و التزام به رویکردهای نوین علمی است.

نکته بسیار مهم دیگری که در باب آثار و فعالیت‌های دکتر انوری باید به آن توجه کرد و مهم شمرد و از همه مهم‌تر باید آن را آموخت، روشمندی این آثار و توجه و تقید و التزام دکتر انوری به مقوله روش در حوزه پژوهش و نگارش است. یکی از شواهد روشن این ادعا گزیده معروف ایشان از غزلیات سعدی است که در انتخاب غزلیات و درجه‌بندی آنها بر اساس نوعی امتیازبندی با مشارکت اهل ذوق و علم و ادب، شیوه‌ای بدیع به کار برده‌اند. در باب روشمندی فرهنگ سخن نیز نیازی به تأکید و یادآوری نیست؛ چرا که صاحب‌نظرانی چون دکتر علی‌اشرف صادقی و داریوش آشوری و نیز دیگران به اجمال یا به تفصیل از آن سخن گفته‌اند.<sup>۲</sup>

### معرفی اثر

کتاب سخن عشق به خواستاری دکتر علی‌اشرف صادقی و دکتر محمود عابدی به پاس یک عمر فرهنگ‌پروری و دانش‌گستری و به انگیزه بزرگداشت شخصیت والای انسانی دکتر حسن انوری توسط گروهی از دوستان و دوستانان پیشکش وی شده است.

اثر با مقدمه‌ای از دکتر علی‌اشرف صادقی با تمجیدی از علما و ادبای خطه آذربایجان و نقشی که این سرزمین در دو سده اخیر در ورود عموم و فنون جدید به ایران داشته است و یادی از دکتر حسن انوری و پیشکش این اثر به وی آغاز می‌شود.

در ادامه اثر «زندگی‌نامه خودنوشت حسن انوری» در بیش از هفتاد صفحه آمده است که از خاطرات دست‌نویس دکتر انوری در سال‌های گوناگون برگرفته شده است. در این زندگی‌نامه از شخصی‌ترین مسائل از قبیل ورشکستگی پدر و هذیان حین بیماری و ختنه‌شدن به چشم می‌خورد تا مسائل مهم جامعه آن روز مثل فعالیت فرقه دموکرات در آذربایجان، حوادث مربوط به انقلاب اسلامی در دانشگاه و جز آن تا فعالیت‌های علمی و آموزشی دکتر انوری.

در ادامه، بخش مقالات هدایی که به حضور استاد انوری پیشکش شده‌اند، شامل ۳۹ مقاله می‌باشد؛ ۳۶ مقاله تألیفی و ۳ مقاله ترجمه با عنوان‌های «آرامگاه بابا طاهر»، «روابط اشخاص» و «الفاظ دخیل از پهلوی اشکانی در منداپی».

در صفحات پایانی کتاب نیز تصویرهایی از دکتر انوری در جوانی و میان‌سالی به چشم می‌خورد.

اینک معرفی مختصری از تعدادی مقالات این اثر ارائه می‌شود:

\* «پزشک» و «سرشک» در شاهنامه (نکته‌ای لغوی و طبیبی) عنوان اولین مقاله کتاب است که سجّاد آیدنلو در این مقاله به بررسی موارد کاربرد واژه سرشک در اشعار زبان فارسی در تعیین معنای لغوی و طبیبی آن پرداخته و در پایان از متخصصان طب سنتی درخواست کرده است که اگر درباره موضوع توضیحات و شواهدی دارند حتماً منتشر کنند.

\* محمد ابراهیم‌پور در مقاله‌ای با عنوان «منت خاک درت بر بصری نیست که نیست» طرز و طریق حیات علمی استاد انوری و ویژگی‌های آثارشان به لحاظ روش‌شناختی را بررسی و به برخی جنبه‌های مهم آن اشاره کرده‌اند.

۲. برگرفته از مقاله «منت خاک درت بر بصری نیست که نیست» از کتاب سخن عشق.

کتاب سخن عشق به خواستاری دکتر علی‌اشرف صادقی و دکتر محمود عابدی به پاس یک عمر فرهنگ‌پروری و دانش‌گستری و به انگیزه بزرگداشت شخصیت والای انسانی دکتر حسن انوری توسط گروهی از دوستان و دوستانان پیشکش وی شده است.

\* مقاله نصرالله امامی با عنوان «مطالعه میان‌متنی دیوان حافظ و خسرو و شیرین نظامی» به محورهای تأثیرپذیری دیوان حافظ از منظومه خسرو و شیرین نظامی در حوزه‌های تضمین، شباهت‌های لفظی-معنایی، معنایی-مضمونی و واژگان و ترکیبات می‌پردازد و در نتیجه پژوهش نیز آورده است که حافظ در زبان، بیان، تصاویر و... متأثر از نظامی، به‌ویژه منظومه خسرو و شیرین بوده است.

\* در ادامه محمد پارسانسب (دانشیار دانشگاه خوارزمی) در مقاله‌ای با عنوان «توصیف ساخت دستوری گویش تاتی اشتهاردی» به توصیف و تحلیل ساختارهای دستوری این گویش، از رهگذر پرداختن به مقولاتی چون مصدر و ساخت آن، ساخت فعل، انواع و کاربرد آن، نوع رابطه فعل با سایر اجزای جمله، و بالاخره نهاد و مفعول در جمله بپردازد.

\* «خاقانی و سیبویه» عنوان مقاله‌ای است که در آن محمدرضا ترکی ابیاتی از خاقانی را که در دیوان خویش آورده و به سخنی از سیبویه اشاره کرده و آن را بررسی کرده و کوشیده با توجه به دیدگاه‌های سیبویه در مورد صواب و خطا در زبان و مبحث ضرورت شعری، نکته و اشاره موجود در سخن خاقانی را توضیح دهد.

\* آبراهام ویلیامز جکسن ایران‌شناس نامدار آمریکایی در یکی از سفرهای خود در سال‌های پایانی قرن گذشته هجری شمسی، پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه، چند روزی را در همدان به سر برده است و به زیارت آرامگاه باباطاهر رفته است، گزارشی از این دیدار نوشته است که مسعود جعفری جزی با ترجمه این نوشته کوتاه با عنوان «آرامگاه باباطاهر» و تقدیم آن به جشن نامه استاد دکتر حسن انوری، خود را در صف ارادمندان آن استاد دانشمند جای داده است.

\* مقاله «برای» من یا «مال» من؟ نوشته غلامعلی حداد عادل نیز از دیگر مقالات چاپ شده در کتاب سخن عشق است که به موضوع تغییرات زبانی در دهه‌های گذشته در رابطه با اضافه ملکی و استعمال کلمه «برای...» به جای «مال...» می‌پردازد.

\* در مقاله «شرح حال نویسی در حوزه عرفان و تصوف: حقیقت‌گویی یا حکایت‌سازی؟» سیما رحمانی فر بر آن است تا تصویری از ذهنیت پیشینیان در خصوص شرح حال نویسی در حوزه عرفان و تصوف ارائه دهد و به مقایسه آن با اصول معتبر شرح حال نویسی نیز پرداخته است.

\* در یکی دیگر از مقاله‌های کتاب سخن عشق با عنوان «فرهنگ‌های مورد نیاز که تألیف نشده‌اند»، غلامحسین صدری افشار به موضوع فرهنگ‌نویسی پرداخته است. وی دوازده عنوان فرهنگ را که جایشان را در زبان فارسی خالی می‌دانسته، به دلیل پرهیز از دوباره‌کاری و تقلید معرفی کرده است.

\* در زبان فارسی شمار بسیار زیادی واژه عربی تبار وجود دارد. دستورپژوهان عموماً یا این واژه‌ها را همچون واژه‌هایی بسیط در نظر گرفته‌اند و از بحث درباره آنها پرهیز کرده‌اند یا با توسل به قواعد صرف زبان عربی به تحلیل آنها پرداخته‌اند. علاءالدین طباطبایی در مقاله «وام‌واژه‌های عربی و دستور زبان فارسی» کوشیده از منظر متفاوتی با دو رویکرد ذکر شده به این واژه‌ها بنگرد.

\* در مقاله «بررسی مثل‌ها در شعر نو» از یوسف عالی عباس‌آباد با پژوهش در آثار یازده تن از شاعران معاصر، مثل‌های شعر آنان استخراج و حوزه کاربرد آنها تجزیه و تحلیل شده است.

\* محمود فتوحی رودمعجنی در مقاله «بلاغت حذف در غزل سعدی» انواع حذف و ارزش بلاغی آنها را در غزل سعدی بررسی کرده و حذف‌های سعدی را نوعی نادرست‌مندی هنری و در عین حال شاخصه سبکی وی برمی‌شمرد.

\* بسیاری از زبان‌ها مثل زبان‌های ایرانی باستان، انگلیسی باستان، لاتین، عربی، آلمانی و جز آن

در ادامه اثر «زندگی‌نامه خودنوشت حسن انوری» در بیش از هفتاد صفحه آمده است که از خاطرات دست‌نویس دکتر انوری در سال‌های گوناگون برگرفته شده است. در این زندگی‌نامه از شخصی‌ترین مسائل از قبیل ورشکستگی پدر و هذیان حین بیماری و ختنه شدن به چشم می‌خورد تا مسائل مهم جامعه آن روز مثل فعالیت فرقه دموکرات در آذربایجان، حوادث مربوط به انقلاب اسلامی در دانشگاه و جز آن تا فعالیت‌های علمی و آموزشی دکتر انوری.

ویژگی جنس داشته‌اند. جنس واژگانی معمولاً در همهٔ زبان‌ها یافت می‌شود، ولی جنس دستوری در زبان‌های کمتری یافت می‌شود. ایران کلباسی در مقالهٔ «جنس در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی» به بعضی از گویش‌های امروز ایرانی که دارای ویژگی جنس دستوری‌اند می‌پردازد.

\* همان‌طور که از عنوان مقاله «فرهنگ کودکان سخن، خاطرات و تجربیات با دکتر حسن انوری» مشخص است، منیژه گازرانی در این نوشتار به ذکر خاطراتی از دکتر انوری پرداخته و روند تألیف فرهنگ کودکان سخن را در تمام مراحل آن شرح داده است.

### سخن پایانی

آنچه در نبود استادان برجسته و مبرز و کلاس‌های پر بار و آموزنده، به‌ویژه در سال‌های دورتر، تسکین شوق علاقه‌مندان و پاسخی برای پرسش‌های بی‌شمار آنان بود، آثار ارزشمند عده‌ای از استادان زبان و ادب فارسی بود که با صبغه‌ای آموزشی تألیف و منتشر می‌شد و به دست طالبان می‌رسید. از میان این گروه از استادان و مشایخ، گروهی بنا به دلایلی خاص تر بودند و در میان خاصان، عده‌ای انگشت‌شمار اخص و استاد دکتر حسن انوری از جملهٔ این انگشت‌شماران اخص بود و هست و به جان می‌خواهیم که همچنان باشد.<sup>۳</sup>

شیوه تربیتی و شاگردپروری استاد انوری شگفت بود و این هیچ عجیب نیست از استاد انوری چرا که به گواه آنچه خود ایشان در زندگی‌نامه خودنوشت قلم زده‌اند، وقتی در سال‌هایی که مأمور تألیف کتاب‌های درسی بوده‌اند درسی با عنوان «بخواه، یاد بگیر، امتحان کن» در یکی از کتاب‌های درسی درج می‌کنند و از بزرگان ایرانی که شرح قدرت ارادهٔ او و عشقش را به آموزش در آن درس می‌آورند، یکی میرزا تقی خان امیرکبیر بود و از کسی چون دکتر انوری بعید نیست که اینچنین درسی را در کتاب‌های درسی فرزندان ایران زمین بگنجانند، وقتی قدرت اراده و عشق به آموزش در وجود خود ایشان موج می‌زند، همچون امیرکبیر.

این کتاب مختصر ادای دینی است به مقام شامخ آن استاد بزرگوار.

«خاقانی و سیبویه» عنوان مقاله‌ای است که در آن محمدرضا ترکی ابیاتی از خاقانی را که در دیوان خویش آورده و به سخنی از سیبویه اشاره کرده و آن را بررسی کرده و کوشیده با توجه به دیدگاه‌های سیبویه در مورد صواب و خطا در زبان و مبحث ضرورت شعری، نکته و اشارهٔ موجود در سخن خاقانی را توضیح دهد.

۳. کتاب سخن عشق، ص ۹۳.

# دایره‌های مینایی: پژوهشی در تاریخ کیهان‌شناسی در تمدن اسلامی

زینب خدادادشهری

## اشاره

از زمانی که درست نمی‌دانیم، بسیاری از اقوام ستارگان را خدا می‌دانستند و همین راه پرسش در باب ماهیت آنها را بر ایشان می‌بست. این اعتقاد البته یک وجه مثبت هم داشت و آن این بود که به کنجکاوی همیشگی آدمیان دربارهٔ جهان انگیزهٔ دیگری می‌داد. چون همین اعتقاد به خدایی موجودات آسمانی ایجاب می‌کرد که آنها را در زندگی و سرنوشت خود مؤثر بدانند، بسیار علاقه داشتند که رفتار موجودات آسمانی را نه تنها توصیف، بلکه پیش‌بینی کنند تا شاید از نتایج نامطلوب آن در امان بمانند. از یک سو مثلاً ماه‌گرفتگی و خورشیدگرفتگی را نتیجهٔ قهر خدایان می‌دانستند و از سوی دیگر می‌دیدند که برخلاف بسیاری از بلاهای زمینی چون سیل و طوفان و زلزله، در وقوع این دو پدیده نظمی هست که پیش‌بینی آن را ممکن می‌کند.

علم نجوم در دل این دوگانگی پدید آمد و تا مدت‌ها همچنان در بند آن ماند. البته اعتقاد صریح به خدایی ستارگان، به تدریج با ظهور دین‌های توحیدی از میان رفت، اما اجزایی از آن باقی ماند، به‌ویژه که این اعتقاد، اگرچه در گذشته‌های دور به صورت یک اعتقاد دینی ظاهر می‌شد، در واقع بر چیزی استوار بود که ظاهراً همهٔ مشاهدات آدمی بر آن گواهی می‌داد و جای انکار نداشت: برخلاف جهان خاکی ما که همه چیز در آن دستخوش تغییر است و کمتر چیزی بر یک حال و روال می‌ماند، جهان ستارگان همیشه بر یک صورت است.<sup>۱</sup>

تاریخ علم هیئت در دوران اسلامی، یکی از مهم‌ترین مباحث نظری است که جایگاه و اهمیت آن در تاریخ کیهان‌شناسی از یونان باستان تا انقلاب علمی قرن هفدهم مغفول مانده است. علم هیئت در اوایل تمدن اسلامی نیز زیاد مورد توجه نبود و تأثیرگذارترین آثار هیئت دوران اسلامی در قرن هفتم هجری به دست سه تن از اهل علم آن روزگار، نصیرالدین طوسی، مؤیدالدین عُرْضی و قطب‌الدین شیرازی نوشته شد که امروز بعضی از آنها مثل التذکره فی علم الیهیته طوسی نه تنها تصحیح انتقادی شده‌اند، بلکه ترجمه انگلیسی آنها عرضه شده است. کتاب الیهیته عُرْضی تصحیح شده و خلاصه‌ای از مطالب آن معرفی و تحلیل شده است، اما هیچ یک از سه اثر جامع قطب‌الدین شیرازی در هیئت: نه‌ایة الإدراک فی درایة الأفلاک، اختیارات مظفری و التحفة الشاهیه تصحیح نشده است و تا همین اواخر محتوای هیچ کدام از

۱. دایره‌های مینایی، مقدمه به قلم حسین معصومی همدانی، صفحات ط-ی.

گمینی، امیرمحمد؛ دایره‌های مینایی: پژوهشی در تاریخ کیهان‌شناسی در تمدن اسلامی؛ مقدمه از حسین معصومی همدانی؛ تهران: نشر حکمت سینا و پژوهشکدهٔ تاریخ علم، ۳۶۴ صفحه، ۱۳۹۵.



این سه اثر به روش علمی معرفی و تحلیل نشده بود.<sup>۲</sup>

در این نوشتار کتاب «دایره‌های مینایی» معرفی می‌شود که به قلم آقای امیرمحمد گمینی در موضوع کیهان‌شناسی به بررسی و تحلیل آثار قطب‌الدین شیرازی پرداخته است.

### معرفی اثر

پژوهش حاضر نه یک شرح و نه یک گزارش صرف از محتوای آثار هیئت، بلکه گزارشی است تاریخی، تحلیلی و مقایسه‌ای از دستاوردها و تحولات علم هیئت که به تفکیک روند تاریخی مباحث عرضه می‌شود. مباحث این اثر در سه فصل سامان یافته است که در ادامه به صورت مختصر بر محتوای فصول مروری داریم.

**فصل اول** با عنوان «کیهان‌شناسی علمی در یونان و تمدن اسلامی» مقدمه‌ای است بر جایگاه و نقش آثار هیئت در تمدن اسلامی و ریشه‌های یونانی آنها و مفاهیم و روش علمی به‌کاررفته در این آثار. در این فصل درباره رابطه فلسفه طبیعی و علم و روش‌های تجربی منجمان برای کشف ترتیب و مدل‌های هندسی چرخش سیارات دور زمین بحث می‌شود که کلیت کیهان‌شناسی تمدن اسلامی را می‌سازد. در ادبیات تاریخ علم، استفاده از لفظ کیهان‌شناسی برای اشاره به آثار هیئت در یونان و تمدن اسلامی مرسوم است، اما برای اینکه با کیهان‌شناسی اسطوره‌ای یا کیهان‌شناسی برآمده از متون دینی خلط نشود، در اینجا از صفت «علمی» برای آن استفاده شده است.

در دوران ابتدایی علم نجوم مهم‌ترین هدف در بابل باستان، طراحی یک روش یا فرمول عددی بود که بتواند موقعیت سیارات و پدیده‌های آسمانی را «پیش‌بینی» کند که برای شناخت شکل عالم و چگونگی به‌وجود آمدن آن، باید به اسطوره‌ها و داستان‌های مذهبی مراجعه می‌شد.

بابلی‌ها نظم حرکات سیارات نسبت به گذر زمان را پیدا کرده بودند و می‌توانستند با رسم جدولی از حرکات مختلف آنها، زمان کسوف و خسوف و نیز زمان طلوع و غروب و بازگشت سیارات و حتی رؤیت پذیری و موقعیت ماه در آسمان را پیدا کنند، اما نجوم بابلی‌ها فاقد ماهیت هندسی بود؛ یعنی درباره مدار اجرام سماوی و شکل عالم چیزی برای گفتن نداشت.

یونانی‌ها با استفاده از دستاوردهای نجوم بین‌النهرین و هندسه اقلیدسی طرحی نو در ایجاد مدل‌های هندسی برای پیش‌بینی دقیق‌تر موقعیت سیارات یافتند که نسبت به روش‌های بابلی برتری‌های بسیاری داشت. ماهیت هندسی نجوم یونانی باعث شد که آهسته‌آهسته نقش دومی نیز برای این علم پیدا شود و آن شناخت شکل عالم و اندازه آن بود. یونانی‌ها متوجه شدند که می‌توان با استفاده از هندسه، علاوه بر تعیین موقعیت سیارات و پدیده‌های نجومی، فاصله و شکل سیارات و زمین را نیز با دقت ریاضی خوبی به دست آورد و این آغاز کیهان‌شناسی علمی بود.

همزمان با تولد هندسه و نجوم هندسی در یونان، نوعی دانش عقلانی که بدان فلسفه طبیعی (طبیعیات، فیزیک)<sup>۳</sup> گفته می‌شد در یونان و جهان یونانی مآب رشد کرد. هدف فلسفه طبیعی که بخش مهمی از اندیشه‌های فلسفی آن روزگار را تشکیل می‌داد، شناخت عقلانی علل طبیعی و قواعد کلی حاکم بر عالم بود و به دلیل روش قیاسی‌اش، بیشتر به دنبال کشف علل پدیده‌های طبیعی بود تا پیش‌بینی ریاضی یا توصیف چگونگی آنها.<sup>۴</sup>

عامل تفاوت میان فلسفه طبیعی و علوم چون نجوم و آپتیک قدیم (علم المناظر، نورشناسی هندسی)،

۲. دایره‌های مینایی، ص ۱.

3. Knowledge of nature

۴. دایره‌های مینایی، ص ۷-۸.

تاریخ علم هیئت در دوران اسلامی، یکی از مهم‌ترین مباحث نظری است که جایگاه و اهمیت آن در تاریخ کیهان‌شناسی از یونان باستان تا انقلاب علمی قرن هفدهم مغفول مانده است. علم هیئت در اوایل تمدن اسلامی نیز زیاد مورد توجه نبود و تأثیرگذارترین آثار هیئت دوران اسلامی در قرن هفتم هجری به دست سه تن از اهل علم آن روزگار، نصیرالدین طوسی، مؤیدالدین غرضی و قطب‌الدین شیرازی نوشته شد



بیشتر از آنکه در موضوع باشد در روش بود. روش طبیعیات روش لمی است که از مقدمات عقلی به کشف مجهولات اقدام می‌کند، در حالی که هیئت با استفاده از هندسه و ریاضیات به روش انی از مقدمات پسینی یا مشاهده‌تی به کشف علت پدیده‌ها می‌پردازد.<sup>۵</sup>

در این فصل خواهیم دید که کیهان‌شناسی یونانی از کجا آغاز شد، چگونه ارتباط فلسفه طبیعی و نجوم کشمکش‌هایی در کیهان‌شناسی تمدن اسلامی ایجاد کرد و نقش ابن هیثم و دیگر نویسندگان هیئت در ایجاد این ارتباط پرتنش چه بود.

**فصل دوم** با عنوان «کیهان‌شناسی سازگار با طبیعیات نزد منجمان مراغه» بخش اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد که شامل مباحث مناقشه‌برانگیزی است میان منجمان مراغه در قرن هفتم هجری بر سر مرکزیت و سکون زمین، ترتیب سیارات نسبت به آن و فرایندهای مدل‌سازی بطلمیوسی و غیربطلمیوسی در علم هیئت اسلامی. گفتنی است که هیچ کدام از منجمان مراغه به غیر از طوسی، آثار مهم نجومی خود را در مراغه ننوخته‌اند و انتساب ایشان به مراغه تنها به دلیل آن است که دمی از زندگی علمی خود را در رصدخانه مراغه به سر برده‌اند. در این فصل پس از معرفی مدل‌های بسیط بطلمیوسی و ویژگی‌های ریاضی هر یک، نشان می‌دهیم فرایند مدل‌سازی از الگوهای رصدی تا هیئت نهایی افلاک نزد بطلمیوس چه مراحل را می‌گذراند. در نمایش تصویری این مدل‌ها افزون بر روش دیگر پژوهشگران در طراحی مدل‌ها با دوایر مجرد، تلاش شده است که شکل مقطع مجسم این افلاک نیز با کیفیت مناسب عرضه شود. همچنین برای معرفی بهتر مدل‌های نجومی در این فصل، شبیه‌سازی رایانه‌ای تهیه شده است که می‌تواند در معرفی و شناخت جزئیات مدل‌ها مفید باشد.

در بخش‌هایی از فصل دوم می‌خوانیم که: «طوسی برای ساختن رصدخانه، جمعی از ریاضیدانان و منجمان را از شهرهای مختلف به مراغه دعوت کرد. مؤیدالدین عرُضی که در علم هندسه و طراحی ابزارهای رصدی ماهر بود از دمشق، نجم‌الدین کاتبی از قزوین، فخرالدین اخلاطی از تفریس، فخرالدین مراغی از موصل و نجم‌الدین بغدادی از جمله این دانشمندان بودند. طوسی سرانجام با محیی‌الدین مغربی، قطب‌الدین شیرازی و جمعی دیگر از حکما و دانشمندان جوان، علمای مراغه را تکمیل کرد. ساختن رصدخانه در ۶۵۶ق آغاز شد. طوسی در کنار رصدخانه مراغه کتابخانه‌ای بسیار بزرگ تأسیس کرد و بنا به فرمان هلاکو کتاب‌های بسیاری که از بغداد، دمشق، موصل و خراسان غارت شده بود به آن کتابخانه آورد. در همان دوران قطب‌الدین شیرازی دانشمند جوانی بود که در سن ۲۴ سالگی طبابت در بیمارستان مظفری شیراز را رها کرد و در جستجوی دانش به مراغه سفر کرد و در زمره شاگردان طوسی و عرُضی درآمد. طوسی، عرُضی و شیرازی را می‌توان بزرگ‌ترین هیئت‌دانان قرن هفتم دانست که با عرضه مدل‌های غیربطلمیوسی سازگار با طبیعیات ارسطویی و بحث و بررسی بر همین منجمان پیشین توانستند دوران نسبتاً طلایی دیگری در نجوم دوره اسلامی ایجاد کنند».<sup>۶</sup>

**فصل سوم** با عنوان «میراث علمی مراغه» درباره ادامه سنت مراغه در آثار نجومی قرون هشتم به بعد است. نتیجه‌گیری نهایی درباره جایگاه معرفتی علم هیئت در شرق تمدن اسلامی در مقایسه با غرب جهان اسلام و عاقبت کار آن نیز در انتهای این فصل قرار گرفته است.

پس از شکوفایی علم هیئت در قرن هفتم، موج جدیدی از تألیف آثار جامع و مختصر هیئت ایجاد شد که تأثیر کتاب‌های هیئت قرن هفتم بر آنها کم‌وبیش دیده می‌شود. نسخه‌های این آثار به صورت کتاب‌های مستقل و شرح‌هایی بر آنها در کتابخانه‌های ایران و جهان به وفور وجود دارد. آشنایی با این آثار از دو نظر اهمیت دارد. اول اینکه نشان می‌دهد علم هیئت تا قرن چهاردهم هجری همچنان فعال بوده است. دوم

همزمان با تولد هندسه و نجوم هندسی در یونان، نوعی دانش عقلانی که بدان فلسفه طبیعی (طبیعیات، فیزیک) گفته می‌شد در یونان و جهان یونانی‌مآب رشد کرد. هدف فلسفه طبیعی که بخش مهمی از اندیشه‌های فلسفی آن روزگار را تشکیل می‌داد، شناخت عقلانی علل طبیعی و قواعد کلی حاکم بر عالم بود و به دلیل روش قیاسی‌اش، بیشتر به دنبال کشف علل پدیده‌های طبیعی بود تا پیش‌بینی ریاضی یا توصیف چگونگی آنها.

۵. دایره‌های مینایی، ص ۲۶-۲۸.

۶. دایره‌های مینایی، ص ۸۹-۹۲.

اینکه موجب می‌شود تأثیر کتاب‌های جامع هیئت به‌ویژه تذکره طوسی و تحفه شیرازی بر این آثار به‌خوبی هویدا شود؛ زیرا معمولاً نام این دو نفر و آثارشان در این متون بیش از هر نام دیگری تکرار می‌شود.<sup>۷</sup>

باید توجه داشت که تاریخ نجوم در تمدن اسلامی به‌هیچ‌وجه محدود به آثار هیئت معرفی شده در این کتاب نمی‌شود، بلکه بخش مهم و بزرگ‌تر آن، به زیچ‌ها و دیگر حوزه‌های نجوم محاسباتی و ابزارهای نجومی مربوط می‌شود که در این کتاب بدان‌ها نپرداخته‌ایم. در این پژوهش علاوه بر بررسی علم هیئت نزد منجمان متقدم چون ابوریحان بیرونی، تمرکز بر آثار هیئت منجمان مراغه، یعنی طوسی، عُرضی و شیرازی است.

### سخن پایانی

اصطلاح کیهان‌شناسی<sup>۸</sup> امروزه به یک رشته علمی دانشگاهی اطلاق می‌شود که در قرن‌های اخیر پیشرفت‌های بسیاری در شناخت عالم بزرگ مقیاس داشته است. این علم از سویی با فیزیک نظری پیوند دارد و از سوی دیگر پیوندی با مشاهدات به‌دست‌آمده از رادیوتلسکوپ‌ها و تلسکوپ‌های پرتوهای مرئی یا گاما و... دارد. کیهان‌شناسی نوین همچنین در نیم‌قرن اخیر به‌طور گسترده به میحی که می‌توان آن را «کیهان‌زایی»<sup>۹</sup> نام نهاد توجه پیدا کرده است و درباره ساختار عالم در پرتو تاریخچه آن پژوهش می‌کند، ولی بسیار پیش از آنکه کیهان‌شناسی نوین به کیهان‌زایی بپردازد، اسطوره‌ها درباره چگونگی زایش کیهان سخن می‌گفتند.<sup>۱۰</sup>

نجوم یونانی تمام توان خود را در کتاب غنی و ارزشمند مجسطی بطلمیوس به نمایش گذاشت. این کتاب پس از ترجمه به زبان عربی در قرون متقدم اسلامی توانست منشأ ایجاد آثار گوناگون علمی در عالم اسلام شود. علم «هیئت» که نماینده وجه کیهان‌شناسانه این آثار در تمدن اسلامی است، آهسته‌آهسته از دیگر رشته‌های نجوم جدا شد و به یک رشته خاص و مستقل از دانش نجوم تبدیل شد. رشته‌های دیگر نجوم اسلامی در کنار علم هیئت و در ارتباط با آن بودند، ولی هیچ کدام از لحاظ هدف با آن اشتراک نداشتند، بلکه نماینده وجه پیش‌بینی‌کننده و محاسباتی نجوم مثل علم زیچ‌ها و تقویم‌ها بودند و هدف آنها محاسبه جدول‌های عددی برای پیش‌بینی موقعیت اجرام سماوی و گاه‌شماری بود. علم ابزارهای نجومی مثل اسطرلاب، ساعت آفتابی و علم مواقیت که درباره زمان سپری شده از روز و تعیین اوقات شرعی بود، دیگر رشته‌های نجوم دوره اسلامی را تشکیل می‌دادند. علم هیئت در دوره اسلامی شاخه‌ای از علم نجوم با هدف پژوهش ریاضی در ساختار کمی و کیفی موجودات بسیط یا ساختارهای بزرگ مقیاس در عالم، یعنی زمین و افلاک آسمانی بر اساس مشاهده و براهین هندسی بود. همان‌طور که از این تعریف معلوم می‌شود، جنبه ریاضی و نیز تکیه بر مشاهده، اساس این علم را تشکیل می‌داد، ولی این علم هیچ‌گاه از ریشه‌های یونانی خود جدا نشد و می‌توان تاریخچه آن را تا قدیمی‌ترین آثار علمی در یونان باستان ردیابی کرد.

علم هیئت در تمدن اسلامی به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود: هیئت افلاک، هیئت زمین، فواصل و اندازه‌های اجرام سماوی و جغرافیای ریاضی. علم هیئت یا هیئت عالم عنوانی است که می‌توان آن را به نظریه‌پردازی‌های علمی برای شناخت ساختار افلاک و موقعیت زمین در عالم اطلاق کرد.<sup>۱۱</sup>

قطب‌الدین شیرازی دانشمند جوانی بود که در سن ۲۴ سالگی طبابت در بیمارستان مظفری شیراز را رها کرد و در جستجوی دانش به مراغه سفر کرد و در زمره شاگردان طوسی و عُرضی درآمد. طوسی، عُرضی و شیرازی را می‌توان بزرگ‌ترین هیئت‌دانان قرن هفتم دانست که با عرضه مدل‌های غیربطلمیوسی سازگار با طبیعیات ارسطویی و بحث و بررسی براهین منجمان پیشین توانستند دوران نسبتاً طلایی دیگری در نجوم دوره اسلامی ایجاد کنند.

۷. دایره‌های مینایی، ص ۲۸۹.

8. Cosmology

9. Cosmogony

۱۰. دایره‌های مینایی، ص ۱۰.

۱۱. دایره‌های مینایی، ص ۱۱-۱۲.